

گزارش همایش بررسی مسایل علوم اجتماعی ایران (بخش اول همایش) گزارش گر: محسن خضرای راد

این همایش به همت انجمن جامعه شناسی ایران و با همکاری پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت ماه برگزار شد.

در آغاز آقای دکتر سعید معیدفر، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران، ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان در همایش، هدف انجمن از برگزاری این گونه همایشها را برقراری ارتباط میان صاحبانظران و ایجاد زمینه گسترش و ارتقاء علوم اجتماعی در کشور دانست. وی با بیان گزارشی اجمالی از همایش های برگزار شده توسط انجمن جامعه شناسی ایران، از زحمات دست اندرکاران برگزاری این همایش خصوصاً خانم دکتر زنجانی زاده تشکر کرد.

سپس خانم دکتر هما زنجانی زاده، دبیر همایش، ضمن معرفی همایشهای علمی به عنوان تجلی عینی اهداف انجمن، به ارائه گزارش پرداخت. وی با اشاره به دریافت بیش از ۵۰ مقاله و پیشنهاد ارائه مطالب، تکراری نبودن و بدیع بودن را از شروط پذیرش مقالات از سوی شورای علمی همایش برشمرد. ایشان با بیان فرایند گزینش مقالات و برگزاری همایش، اظهار امیدواری کرد؛ مقالات در مجموعه ای مفصل چاپ گردد. دکتر زنجانی زاده همبستگی میان محققین و صاحبانظران و افزایش غنای علمی جامعه را از دیگر کارکردهای این همایش دانست.

اولین سخنرانی این همایش، آقای دکتر خرمشاد، معاون فرهنگی - اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بود. وی مسایل علوم اجتماعی را دغدغهای بین المللی دانست و در این راستا به سه مورد ذیل اشاره نمود:

۱- بیانیه مارس ۱۹۹۵ سران برخی از کشورهای جهان: این بیانیه که به **بیانیه کپنهاک** مشهور گردید، دارای نکاتی چند می باشد که نکته اصلی آن در خصوص توسعه اجتماعی است. این بیانیه پس از ارائه نظریات مختلف در مورد توسعه، محور توسعه را خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه، توسعه اجتماعی معرفی می کند.

۲- اعلامیه UN در نشست هزاره ۲۰۰۵: این اعلامیه ضمن بیان ۸ هدف برای امر توسعه در پنج حوزه؛ گرسنگی، فقر، آموزش، عدم بهداشت و تخریب محیط زیست، هیچکدام از این حوزهها را بی نیاز از مطالعات اجتماعی نمی داند. به عبارت دیگر؛ این اعلامیه، هیچ یک از مشکلات و مسایل را بدون توجه به پژوهشهای علوم اجتماعی، قابل حل نمی داند.

۳- همایش بین المللی فوریه ۲۰۰۶ (اسفند ۸۴) در بوینس آیرس آرژانتین: موضوع این همایش «ارتباط و پیوند متقابل علوم اجتماعی و سیاستگذاری» بود. بیانیه همایش که «فرایند بوینس آیرس» نامیده شد، به سه نکته تأکید داشت:

الف - ضرورت ایجاد فضای گفتگوی پیوسته و مبتکرانه بین پژوهشگران علوم اجتماعی و سیاستگذاران و مدیران اجرایی.

ب - ایجاد شبکه های جدید همکاری بین کارگزاران (پژوهشگران، سیاستگذاران و مدیران اجرایی) توسعه اجتماعی در حوزه های منطقه ای و بین المللی.

ج - برگزاری اجلاس وزرای توسعه اجتماعی کشورها در سطوح منطقه ای، زیر منطقه ای و بین المللی (توضیح اینکه؛ برخی از کشورهای آسیایی، آفریقایی و... اقدام به تشکیل وزارتخانه توسعه اجتماعی کرده اند).

دکتر خرمشاد با ذکر برخی مقالات مربوطه و متعدد خودشان، مسأله اصلی توسعه در ایران را توسعه اجتماعی دانست و پنا بر گزارش UN، توسعه اجتماعی را بعدی از ابعاد توسعه قلمداد نمود که بر کنش نهادهای اجتماعی تأکید دارد.

ایشان در ادامه افزود؛ برخلاف رویکرد جهان در محور قرار دادن توسعه اجتماعی در دو دهه گذشته، متأسفانه در ایران به دنبال حاکمیت توسعه اقتصادی و سیاسی بودیم. لیکن شایسته است به این امر پرداخته شود چرا که با توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی سامان می یابد و زمینه برای توسعه سیاسی نیز فراهم می شود و باور داشته باشیم که یافته های دیگران در این راه برای ما سودمند می باشد. وی به ارتباط گسترده مسایل علوم اجتماعی ایران با مسایل علوم اجتماعی جهان اشاره کرد و در این راستا به ۶ چالش عمده اشاره نمود:

۱- نپرداختن به امر خطیر توسعه اجتماعی از سوی علوم اجتماعی ایران.

۲- نبود ارتباط و پیوند میان علوم اجتماعی و سیاستگذاری اجتماعی و اقتصادی در میان دول و جوامع مختلف خصوصاً در ایران.

۳- فقدان زبان مشترک و دیالوگ میان علم و جامعه (ضرورت پرداختن دو سوبه علم و جامعه به هم و مسأله محور شدن پژوهشهای علوم اجتماعی)

۴- فقدان فراملی اندیشی در ایران (عدم بهره مندی از فرصتهای بین المللی)

۵. عدم حمایت سامانمند دولتها از علوم اجتماعی و پژوهشهای آن در جوامع جهان سوم خصوصاً در ایران،
۶. نبود زمینه گفتگو و تعامل میان بومی اندیشان و غیر بومی اندیشان.
دکتر خرمشاد با اشاره به حمایت‌های خاص یونسکو از توانایی‌های صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایران، به سخنان خود خاتمه داد.

در ادامه همایش آقای دکتر توسلی به ایراد سخنرانی پرداخت. وی با اشاره به سابقه ۵۰ ساله علوم اجتماعی در ایران و انجام تحقیقات متعدد در خصوص مسائل اجتماعی ایران، اظهار داشت: باید از علوم اجتماعی مستقل و توانایی برخوردار شویم تا این علوم در دو سطح خرد و کلان، مسائل اجتماعی را شناسایی کند و راهکارهای مناسب ارائه دهد. لیکن هنوز به روش شناسی متقنی در این خصوص دست نیافته‌ایم. بنابراین مسائل علوم اجتماعی یکی از مسائل اجتماعی ایران است.

دکتر توسلی با اشاره به اینکه طی ۲۰۰ سال اخیر عمده مسائل داخلی و خارجی ما حالت بحرانی داشته، بیان کرد: اگر جامعه شناسی بتواند در سطح کلان راه حل ارائه کند، می‌تواند به مسائل خرد هم بپردازد. ولی هنوز از یک جامعه مستقل مدنی که بتواند برای مسائل خود، راه حل بیابد، برخوردار نیستیم چرا که معمولاً شیوه‌های احساسی بر شیوه‌های عقلانی تسلط داشته است و این مشکل جهان و ایران می‌باشد. جامعه باید به گونه‌ای باشد تا افراد جامعه احساس شهروندی کنند و به همراه مسئولان دولتی، به دنبال حل مسائل از طرق علمی باشند. علوم اجتماعی نیز می‌بایست در تمام سطوح، زبانی را بکار گیرد تا زمینه را برای مساعدت دیگران در حل مسائل جامعه فراهم نماید و انجمن جامعه شناسی ایران در تحقق این اهداف و جلب نظر و همکاری متخصصان و صاحب‌نظران، می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند.

سخنران دیگر این همایش آقای دکتر رفیع پور بود. ایشان با ترسیم وضعیت جهان و ایران، جریان حاکم بر نظام بین‌الملل را رقابت در جهت یافتن سود بیشتر و منابع جدید برای سلطه طلبی معرفی کرد. وی با اشاره به بحث جهانی سازی ارزشها و سلطه ایدئولوژیکی، وظیفه جامعه‌شناسان را تحلیل وضعیت کشور (شناخت مسائل و روابط علی و پیامدهای آن) دانست.

دکتر رفیع پور با بیان اجمالی وضعیت ایران در گذشته، به لزوم برقراری پیوند علمی میان دانشمندان ایرانی و خارجی اشاره کرد و سیاست‌های حکومتی کشورهای بیگانه را با سیاست‌های دانشمندان متفاوت خواند. وی با بیان این اشکال که در فرهنگ ایرانی به تجربیات دیگران توجه لازم نمی‌شود، بزرگترین مشکل ما را در سیستم اطلاع رسانی دانست و در این راستا به مسأله فساد و عدم مجوز برای چاپ تحقیقات مربوط به آن اشاره کرد.

ایشان با اظهار اینکه، در نظام علمی ایران، افراد به دنبال اهداف فردی نظیر؛ مدرک، تدریس و پول می‌باشند، این سیستم را فاقد توانایی در جهت حل مسائل اجتماعی دانست. وی در ادامه افزود: سیستم علمی ما از خود بیگانه است و نتیجه از خود بیگانگی، نارضایتی است. به این معنا که این سیستم، افرادی را تربیت می‌کند که ناراضی هستند و عموماً خودشان (هویت ملی و سنتی و سیستم حکومتی خودشان) را نفی می‌کنند.

دکتر رفیع پور با بیان اینکه نمی‌توانیم از مسائل و تئوری‌های غربی به اندازه کافی استفاده کنیم، کوشش برای کپی نمودن مسائل خارجی در داخل را مغایر با بررسی مسائل ایران قلمداد نمود. ایشان به هنجار بودن و داشتن دغدغه ملی را از ویژگی‌های بررسی کنندگان مسائل ایران و مصلحان کشور دانست. ایشان با طرح این پرسش که جامعه شناسی می‌بایست بیشتر به دنبال شکل باشد یا محتوا؟ انواع جامعه‌ها را از نظر حکومت به؛ نظامی، کمونیستی، جمهوری لائیک، جمهوری دموکراتیک، جمهوری اسلامی، سلطنتی و ... تقسیم کرد و با بیان اینکه شکل مقوله مهمی است، اما محتوا مهمتر است و وظیفه اصلی جامعه شناسی را برطرف نمودن نیازهای اساسی جامعه نظیر؛ شکوفایی، انسجام، نظم اجتماعی و ... معرفی کرد و برای این امر، وجود سلسله مراتبی مناسب و افرادی جمع‌گرا و مسأله محور را ضروری دانست.

دکتر رفیع پور با اشاره به تأثیرگذاری بالای تاریخ ایران خصوصاً عصر صفویه و قاجاریه در نظام فرهنگی کشور و نقش نهاد دینی ایران در حل مسائل فرهنگی، یادآور شد؛ این نهاد می‌بایست به حال بپردازد و از مینا قرار دادن گذشته پرهیز نماید.

آخرین سخنران نوبت صبح همایش، آقای دکتر ساروخانی بود که به بحث **پژوهش‌های اجتماعی در ایران، چالش‌ها و راهکارها** پرداخت. ایشان با فرامادی خواندن پژوهش و انگیزه محقق، پژوهشگر را نمادی اجتماعی و گواه ساختار و موقعیت‌های اجتماعی دانست.

وی با بیان اینکه جامعه در بحرانها و موقعیت‌های مختلف به تحقیقات متفاوت (از حیث موضوع) روی می‌آورد، تحقیق را یک فرآورده اجتماعی دانست و آن را در تعامل با جامعه قرار داد. ایشان تحقیق را شکننده مرزهای علمی، مولد علم و عامل آزادی، خودآگاهی و ماندگاری خواند.

دکتر ساروخانی با اشاره به وضعیت نامناسب تحقیق در ایران از حیث دو شاخص؛ سرانه تحقیق و تعداد نیروی انسانی، فرصت‌های پژوهش در ایران را اندک توصیف کرد و توزیع این فرصتها را نیز نادرست خواند. وی با اشاره به این گفته افلاطون که «**انسانها تلون پذیرند و هر آن، یک نوع اندیشه دارند**» انسان را موجودی آگاه، تنوع پذیر و برنامه‌ریز توصیف کرد و تولید دانش اجتماعی را از این حیث که با انسان سروکار دارد، دشوار دانست و مشکلات موجود بر سر راه تحقیقات اجتماعی را به صورت زیر برشمرد:

- ۱- نبود فضای پژوهشی مناسب. (فضای پژوهش، به خلاقیت، پذیرش اندیشه دیگری، تساهل، خرافه زدایی، علم گرایی و... نیاز دارد که ساختار اجتماعی و خانواده ما دارای چنین فضای مطلوبی نیست.)
- ۲- فقدان زمینه مناسب جهت جذب افراد با استعداد و توانمند در رشته علوم انسانی و نبود نظام آموزشی مطلوب برای تقویت توانمندی افراد.
- ۳- عدم ایجاد انگیزش لازم و مطلوب در پژوهشگران اجتماعی. (انگیزه عالی‌ترین عامل تولید علم است که تنها با مادیات ایجاد نمی‌گردد بلکه اهمیت دادن به تحقیقات و بکارگیری آنها در سیاستگذاری‌ها، مهمترین عامل تولید انگیزه در پژوهشگران می‌باشد.)
- ۴- پژوهشگران با اخذ پوزیتیویسم سطحی، خردنگر شده‌اند و از کل باز مانده‌اند. عقلانیت ابزاری پوزیتیویستی را مطرح می‌کنند و به عقلانیت معنایی توجهی ندارند. داده‌های ما از نظر کمی بسیارند ولی فاقد ارزش می‌باشند.
- ۵- فقدان الگوی مناسب برای امر تحقیق.
- ۶- حبس داده‌ها (گویی محققان غریبه‌اند. دانشمندان، پژوهشگران و تحقیقات می‌بایست در امتداد یکدیگر قرار گیرند.)
- ۷- نبود جامعه علمی و پاتوقهای فکری مناسب در ایران.
- ۸- عدم آشنایی مسئولان جامعه با تحقیقات اجتماعی و نپذیرفتن هزینه‌های پژوهش (هزینه‌های مادی، زمانی و نتایج تحقیق مخالف نظر مسئول) در صورت آشنایی مسئولان با تحقیقات.
- ۹- محدود شدن تحقیقات در حوزه دولتیان و عدم ورود بخش خصوص به صورت جدی در فرایند تحقیق. (انجام تحقیقات رابطه مند شده است و در توزیع فرصتهای پژوهش، به رابطه بیشتر توجه می‌شود تا صلاحیت محقق.)
- ۱۰- مد اجتماعی شدن تحقیقات اجتماعی. (چنانکه شایسته است در تصمیم سازی‌ها و سیاستگذاری‌ها استفاده نمی‌شود.)
- ۱۱- نهادینه نشدن تحقیق در ایران و در حاشیه قرار گرفتن آن. در پایان، دکتر ساروخانی با وجود ابراز نگرانی از عمیق‌تر شدن شکاف میان حوزه‌های تحقیقاتی مهندسی و پزشکی و حوزه‌های مطالعاتی اجتماعی در سالهای آتی، اظهار امیدواری نمود با حضور جامعه شناسان توانا و با انگیزه، فضای مناسب تحقیقاتی ایجاد گردد. بخش اول همایش بررسی مسائل علوم اجتماعی ایران پس از این سخنرانی به کار خود خاتمه داد.